

## تأثیر کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران

آزاده محمودی کوهی، صغری قبادی

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

<sup>۲</sup> استادیار اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

### چکیده

تفکیک مالکیت از مدیریت در شرکت‌های سهامی، این امکان بالقوه را برای مدیران بوجود می‌آورد تا حداقل، بخشی از ثروت سایر گروه‌های ذی‌نفع در شرکت را به خود منتقل کند. زیرا، مدیران به اطلاعاتی دسترسی دارند که سایر افراد حداقل به قسمتی از آن دسترسی ندارند. یکی از نقش‌های حاکمیت شرکتی کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است. حاکمیت شرکتی احتمالاً وقوع مدیریت سود را کاهش می‌دهد و احتمالاً درک سرمایه‌گذاران را از اعتبار عملکرد شرکت‌ها که به وسیله سودها در شرایط مدیریت سود ارزیابی می‌شود را بهبود بخشند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روش آماری داده‌های تلفیقی و برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ با استفاده از اطلاعات ۱۲۰ شرکت منتخب به روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک انجام شده است، نتایج تحقیق نشان داد که کیفیت و تداوم حسابرسی و مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت باعث کاهش مدیریت سود می‌شوند. همچنین روابط تعاملی بین متغیرهای فوق نیز نشان داد که با افزایش کیفیت و تداوم حسابرسی؛ مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت بصورت فزاینده باعث کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیر و مدیریت سود می‌شوند.

**کلمات کلیدی:** مدیریت سود، حاکمیت شرکتی، تداوم حساب، کیفیت حسابرسی.

## ۱- مقدمه

یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه‌ی اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دیگر کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم‌ها، سودمند باشد. یکی از معیارهای مهمی که گروه‌های مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش‌بینی سودهای آینده و ریسک‌های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می‌کنند، سودهای جاری و گذشته شرکت است. سود نیز خود متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است و اقلام تعهدی سود تا حدود زیادی در کنترل مدیریت هستند و وی می‌تواند برای بهتر جلوه‌دادن عملکرد شرکت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سودهای آینده در اقلام تعهدی سود دست برده و به اصطلاح امروزی سود را مدیریت کند. به بیان دیگر، مدیران تلاش می‌کنند تا با انتخاب روش‌های مجاز حسابداری، نتایجی قابل پیش‌بینی و ثابت خلق کنند. زیرا، اغلب سرمایه‌گذاران و مدیران اعتقاد دارند شرکت‌هایی که روند سودآوری مناسبی دارند و سود آن‌ها دچار تغییرات عمده نمی‌شود نسبت به شرکت‌های مشابه، ارزش بیشتر و قابلیت پیش‌بینی و مقایسه‌ی بیشتری دارند. از سوی دیگر، با توجه به تئوری نمایندگی مدیران می‌توانند از انگیزه‌ی لازم برای دستکاری سود به منظور حداکثر کردن منافع خود برخوردار باشند (دستگیر و ناظمی، ۱۳۸۵).

رسوایی‌های حسابداری و سقوط شرکت‌هایی در آمریکا نظیر انرون و ولدکام، و در استرالیا مانند شرکت‌های تل وان، نگرانی‌های جدی را در مورد مدیریت سود، استفاده از سود گزارش شده و مسائل اخلاقی کسانی که این گزارش‌ها را تهیه و حسابرسی می‌کنند، بوجود آورد. سازمان‌های قانونگذار در آمریکا بر اساس قوانینی مثل قانون ساربینز اکسلی، مدیران شرکت‌ها را ملزم به تضمین گزارش‌های مالی، توانمند کردن حاکمیت شرکتی و بهبود استقلال حسابرس نمود تا از این طریق، مدیریت سود کاهش و کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد (حساس یگانه، ۱۳۸۵).

این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، وارد بحث تئوری نمایندگی می‌شود. تئوری نمایندگی به این موضوع اشاره دارد که بخشی از عملیات شرکتها به روابط نمایندگی بین سهامداران و مدیران مربوط می‌شود. در واقع جدایی مالکیت سهام و کنترل مدیریت بر عملیات شرکت می‌تواند به تضاد منافع منجر شود و هزینه‌های نمایندگی ناشی از این تضاد منافع بین مدیران و سهامداران بوجود آید. بدون مسئله نمایندگی، کیفیت گزارشگری هیچ مسئله خاصی نخواهد داشت چون مدیران هیچگونه انگیزه‌ای برای تحریف گزارشات مالی یا مخفی نگه‌داشتن اطلاعات ندارند. حاکمیت شرکتی یکی از ساز و کارهای کاهش مسئله نمایندگی است. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند فرصت‌های مدیریت سود را کاهش و در نتیجه کیفیت سود را افزایش دهد.

با توجه به مطالب ذکر شده، هدف این پژوهش بررسی اثر تعدیل‌کنندگی کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران بوده و سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که آیا کیفیت و تداوم انتخاب حسابرس و ساختار مالکیت تأثیری بر روی مدیریت سود این شرکت‌ها دارد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، تأثیر رابطه چگونه است؟

## ۲- مبانی نظری تحقیق

با جدا شدن مالکیت و مدیریت در شرکت‌های سهامی، مدیران به عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند. با گذشت زمان این رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را به وجود آورده که به آن تضاد نمایندگی گفته می‌شود. یعنی این امکان بالقوه به وجود می‌آید که مدیران تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در جهت منافع خودشان و عکس منافع سهامداران باشد. یکی از عوامل شکل دهی تضاد نمایندگی بین مدیران و سهامداران عدم شفافیت اطلاعاتی بین آن‌ها بوده و به همین دلیل سهامداران نمی‌توانند اعمال و فعالیت‌های مدیران را به طور مستمر کنترل کنند، از سویی دیگر، حسابداری تعهدی حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره‌های زمانی متفاوت اعطا می‌کند. در واقع تحت

این نوع از سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشم‌گیری بر زمان تشخیص برخی اقلام هزینه از جمله هزینه های تبلیغات و مخارج تحقیق و توسعه را دارند. هم چنین مدیران در سیستم حسابداری تعهدی با گزینه‌های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمدها نیز روبه رو هستند. این گونه عملکرد از سوی مدیران در عبارتی ساده به عنوان مدیریت سود بیان می شود. به اعتقاد گری (۲۰۰۸) مدیریت سود طیف وسیعی را شامل می‌شود که از حسابداری محافظه کارانه شروع و با حسابداری غیرجانبدارانه و سپس حسابداری متهورانه ادامه می‌یابد و در نهایت به حسابداری متقلبانه منتهی می‌شود. نکته اصلی این است که روش های متعددی برای مدیریت سود وجود دارد و مدیر برای مدیریت سود خالص گزارش شده در چارچوب استانداردهای حسابداری آزادی عمل وسیعی دارد. همچنین، برای بسیاری از اقلام تعهدی، کشف مدیریت سود اعمال شده توسط حسابرسان شرکت مشکل خواهد بود یا اگر حسابرسان به این موضوع پی‌برند، گاهی نمی‌توانند مخالفت کنند زیرا بسیاری از تکنیک‌های مدیریت سود در محدوده استانداردهای حسابداری می‌باشد. به هر حال شناسایی سازوکارهایی که بتواند در کاهش مدیریت سود اثربخش باشد بسیار حائز اهمیت است. با این حال، وجود تضاد منافع بین ذینفعان در شرکت‌ها مشکلات متعددی همچون تئوری نمایندگی و مشکلات ذینفعان را به همراه داشته و بحث های متعددی را موجب شده است که موضوع حاکمیت شرکتی از اصلی ترین آن هاست که به منظور کاهش هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (برزگری و همکاران، ۱۳۹۱).

جنین و پیوت (۲۰۰۵) معتقدند حسابرسی می‌تواند یکی از راه های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. زیرا اعتقاد بر این است، شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده ارائه کنند دارای محتوای اطلاعاتی و سود با کیفیت بیشتری هستند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند. زیرا موسسه های حسابرسی با کیفیت دارای تخصص، منابع و انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند.

با توجه به این موضوع ضرورت تحقیقاتی که بتواند اهمیت سازوکارهای حاکمیت شرکتی را در کاهش مدیریت سود و افزایش شفافیت اطلاعاتی و کیفیت گزارشگری مالی در ایران مورد بررسی قرار دهد به خوبی احساس می شود. از این رو در این تحقیق تاثیر کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد

### ۳- پیشینه تحقیق

چن و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی زیر عنوان "کیفیت حسابرسی و مدیریت سود برای شرکتهای درگیر در عرضه عمومی سهام تایوان با انتخاب ۴ شرکت بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرسان با کیفیت و مقایسه سود در شرکتهای حسابرسی شده توسط این ۴ شرکت با سود در سایر شرکتهایی که توسط غیر این ۴ شرکت حسابرسی شده اند، به بررسی ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در مراحل قبل و بعد از عرضه عمومی سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اولاً، در چنین شرکتهایی مدیریت سود رخ میدهد و ثانیاً، بین مدیریت سود و کیفیت حسابرسی ارتباط معنی داری وجود دارد، به این صورت که بالاتر بودن کیفیت حسابرسی موجب کاهش مدیریت سود در این شرکتها میشود.

لی و رودن (۲۰۰۷) نشان دادند حسابرسی با کیفیت بالاتر، رابطه مثبت و معناداری با دقت پیش بینی بالاتر سود دارد. بنابراین، می توان انتظار داشت که مؤسسه های حسابرسی مشهور(بزرگ)، شرکتها را به ارائه پیش بینی های دقیقتر سود ترغیب کنند. سرمایه گذاران با پیش بینی سودی که مدیریت ارائه می کند، اقدام به پیش بینی بازده می کنند؛ هرچه کیفیت حسابرسی افزایش یابد، کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش مییابد، بنابراین پیش بینی که به پشتوانه این اطلاعات در مورد بازده صورت می‌گیرد، از خطای کمتری برخوردار است.

زهری و شبوه (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و ویژگی های حاکمیت شرکتی با مدیریت سود پرداخت. این تحقیق که با استفاده از اطلاعات ۹۳ شرکت تونسی طی سالهای ۱۹۹۷ الی ۲۰۱۲ انجام شده بود نشان داد که بین کیفیت حسابرسی، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره با مدیریت سود یک رابطه منفی و همچنین بین پاداش هیئت مدیره، مالکیت نهادی و مدیریتی با مدیریت سود یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

کویب و جابو (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی تاثیر کیفیت و تداوم حسابرسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در بورس تونس با استفاده از اطلاعات ۶۱ شرکت و طی دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی و تداوم حسابرسی باعث کاهش اقلام تعهدی اختیاری می شوند. همچنین اثر متقابل کیفیت و تداوم حسابرسی با مالکیت نهادی و مدیریتی باعث کاهش مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی اختیاری می گردد.

نونهال نهر و همکاران (۱۳۸۹) رابطه بین کیفیت حسابرسی و کیفیت اقلام تعهدی را مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند، شرکتهایی که حسابرسی آنها را حسابرسانی با کیفیت بالاتر انجام داد هاند، در مقایسه با شرکتهایی که حسابرسی آنها به دست حسابرسان هایی با کیفیت پایین تر انجام شده است، دارای ضریب پایداری اقلام تعهدی بیشتری بوده و در نتیجه قابلیت اتکای اقلام تعهدی بالایی دارند.

استا (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود پرداخت. این تحقیق با استفاده از اطلاعات ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و طی دوره زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه منفی معناداری بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با مدیریت سود وجود دارد، اما بین مالکیت شرکتی و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

برزگری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان "کارکرد مدل های تعدیل شده مدیریت سود در بررسی رابطه نظام راهبری شرکتی با مدیریت سود" پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معنی داری بین اندازه موسسه حسابرسی، وجود حسابرسان داخلی با مدیریت سود و رابطه منفی و معناداری بین تعداد اعضای هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، مالکیت نهادی و مدیریت سود وجود دارد.

وحیدی و روانان (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و ویژگی های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج فرضیات تحقیق که با استفاده از روش آماری داده های تلفیقی و برای دوره‌ی زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۱ با استفاده از اطلاعات ۱۲۰ شرکت انجام شده بود، نشان داد که بین کیفیت حسابرسی، اندازه هیئت مدیره، غیرموظف بودن اعضای هیئت مدیره و مدیریت سود یک رابطه منفی و معنی دار و بین پاداش هیئت مدیره و مدیریت سود یک رابطه مثبت وجود دارد.

#### ۴- فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تداوم انتخاب حسابرسان و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مالکیت نهادی و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه پنجم: کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود اثر تعدیل کننده دارد.

فرضیه ششم: کیفیت حسابرسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود اثر تعدیل کنندگی دارد

فرضیه هفتم: تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود اثر تعدیل کنندگی دارد.

فرضیه هشتم: تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود اثر تعدیل کنندگی دارد

## ۵- روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات و جامعه آماری

تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. این تحقیق بر اساس طرح تحقیق نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی انجام شده است. برای تدوین مبانی نظری تحقیق حاضر از مطالعه کتابخانه‌ای و سپس با استفاده از سایت بورس اوراق بهادار و همچنین نرم افزار تدبیر پرداز داده‌های اولیه‌ی مربوط به شرکت‌ها به طور مستقیم از بورس اوراق بهادار تهران و صورت‌های مالی شرکت‌ها گردآوری شده و برای محاسبه‌ی متغیر مستقل و وابسته‌ی تحقیق استفاده شده است. بنابراین، روش گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر از نوع بررسی میدانی است. برای پردازش اطلاعات از نرم افزار Excel (نسخه ۲۰۱۰) و Eviews (نسخه ۹) استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا پایان سال ۱۳۹۳ به مدت ۷ سال بوده است که در طی این دوره عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده‌اند. افزون بر این، جامعه‌ی آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل شده است:

- (۱) شرکت باید قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس پذیرفته شده و از ابتدای سال ۱۳۸۷ سهام آن در بورس معامله شده باشد؛ (۲) پایان سال مالی شرکت پایان اسفند ماه بوده و در طول دوره‌ی تحقیق نیز، تغییر سال مالی نداشته باشد؛ (۳) شرکت نباید در طول دوره پژوهش، در بورس اوراق بهادار دچار وقفه معاملاتی بیش از یک سه شده باشد. پس از اعمال این محدودیت‌ها، ۱۲۰ شرکت، همه‌ی شرایط حضور در جامعه‌ی آماری را داشته‌اند. لذا ۱۲۰ شرکت به عنوان جامعه آماری انتخاب و از نمونه گیری دیگری استفاده نشده است.

## ۶- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون چند متغیره با تکیه بر رویکرد داده‌های ترکیبی بهره گرفته شده است. مزیت این روش امکان برآورد پویایی متغیرها در طول زمان است. در این رویکرد، برای انتخاب نوع روش مناسب برآورد مدل، از آزمونهای چاو یا F لیمر و هاسمن استفاده می‌شود.

## ۷- مدل رگرسیونی فرضیات تحقیق

$$DA_{it} = \alpha + \beta_1 BIG_{it} + \beta_2 SEN_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 Leve_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$DA_{it} = \alpha + \beta_1 CC_{it} + \beta_2 IP_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LEVE_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

برای بررسی اثر تعدیل کنندگی کیفیت و تداوم انتخاب حسابرس بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود از مدل ترکیبی زیر استفاده می‌کنیم. بدین صورت که متغیرهای کیفیت حسابرسی و تداوم حسابرسی را بصورت جداگانه در متغیرهای مالکیتی ضرب می‌کنیم. اگر نتیجه ضرایب در خروجی آماری مثبت باشد نشان می‌دهد که ویژگی‌های حسابرسی

و مالکیتی باعث افزایش مدیریت سود می شوند و در صورتی که منفی باشد نشان می دهد که باعث کاهش مدیریت سود می شوند.

مدل (۳)

$$DA_{it} = \alpha + \beta_1 BIG_{it} + \beta_2 SEN_{it} + \beta_3 IP_{it} + \beta_4 CC_{it} + \beta_5 BIG_{it} * IP_{it} + \beta_6 BIG_{it} * CC_{it} + \beta_7 SEN_{it} * IP_{it} + \beta_8 SEN_{it} * CC_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \beta_{10} LEVE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل ها :

DA: مدیریت سود، BIG: کیفیت حسابرسی، SEN: تداوم انتخاب حسابرس، CC: تمرکز مالکیت، IP: مالکیت نهادی، SIZE: اندازه شرکت، LEVE: اهرم مالی، و  $\varepsilon$ : جزء خطا است.

### ۸- اندازه گیری متغیرهای تحقیق

#### متغیر وابسته: مدیریت سود (EM)

شاخص اندازه گیری مدیریت سود، اقلام تعهدی اختیاری می باشد. هیلی (۱۹۸۵)، دی آنجلو (۱۹۸۶) و جونز (۱۹۹۱)، طی مطالعاتی در زمینه مدیریت سود با به کارگیری اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود اقدام به ارائه الگوهایی کرده اند که در تحقیقات بعدی بارها آزمون شده اند. دیچو و همکاران (۱۹۹۶) با ارائه الگویی که از آن پس "الگوی تعدیل شده جونز" نام گرفت این الگو را با الگوهای جونز، هیلی و دی آنجلو و نیز الگوی صنعت مورد مقایسه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که الگوی تعدیل شده جونز از قدرت بیشتری برای کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری برخوردار است (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۲). بنابراین در این پژوهش از الگوی تعدیل شده جونز برای بررسی مدیریت سود استفاده شده است. در الگوی یاد شده در اولین قدم ارتباط مجموع اقلام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره رویداد معروف است با متغیرهای فروش، ناخالص اموال و ماشین آلات و تجهیزات به شرح رابطه (۱) برآورد می شود:

رابطه (۱)

$$\frac{TA_{it}}{ASSETS_{it-1}} = \alpha_1 \frac{1}{ASSETS_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta rev_{it}}{ASSETS_{it-1}} + \alpha_3 \frac{ppe_{it}}{ASSETS_{it-1}} + \varepsilon$$

$Assets_{i(t-1)}$  مجموع دارایی های شرکت در سال قبل،  $\Delta REV_{it}$  تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل و  $PPE_{it}$  اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص،  $E$ : سود عملیاتی، CFO: جریان نقد عملیاتی و  $\varepsilon_{it}$  خطای برآورد و  $\alpha_1$ ،  $\alpha_2$  و  $\alpha_3$  پارامترهای خاص شرکت است. اندازه ی نهایی مدیریت سود مقادیر باقی مانده های حاصل از تخمین مدل (۱) بوده که بیانگر اقلام تعهدی اختیاری می باشد.

پس از محاسبه ی پارامترهای  $\alpha_1$ ،  $\alpha_2$ ،  $\alpha_3$  از طریق روش حداقل مربعات طبق فرمول ذیل اقلام تعهدی غیر اختیاری، به شرح زیر تعیین می شود :

$$NDA_{it} = \alpha_1 \frac{1}{ASSETS_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta rev_{it} - \Delta rec_{it}}{ASSETS_{it-1}} + \alpha_3 \frac{ppe_{it}}{ASSETS_{it-1}} + \varepsilon$$

رابطه (۲)

که در آن :

$NDA_{it}$ : اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت  $i$  در سال  $t$ ،  $\Delta REC_{it}$ : تغییر در حساب های دریافتی شرکت  $i$  بین سال  $t$  و  $t-1$  در نهایت اقلام تعهدی اختیاری (DA) پس از تعیین NDA به صورت زیر محاسبه می شود.

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{Assets_{it-1}} - NDA_{it} \quad \text{رابطه (۳)}$$

**متغیرهای مستقل:****کیفیت حسابرسی (Big Auditor)**

کیفیت حسابرسی متغیر مجازی صفر و یک بوده که در صورتی که حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد، یک، و در غیر اینصورت مقدار صفر را اختیار می‌کند.

**تداوم انتخاب حسابرس (Auditor seniority)**

تداوم انتخاب حسابرس که از طریق تعداد سال‌های متوالی که یک حسابرس مسئولیت حسابرسی یک شرکت را برعهده می‌گیرد، محاسبه می‌شود (میرز و همکاران، ۲۰۰۳).

**مالکیت نهادی: (ip)**

میزان درصد سهام نگهداری شده توسط شرکتهای دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه است که این شرکتها شامل شرکتهای بیمه، مؤسسه های مالی، بانکها، شرکتهای دولتی و دیگر اجزای دولت است. این متغیر در پژوهشهای کومار (۲۰۰۳) ارنهارت و لیزال (۲۰۰۶) و نمازی و کرمانی (۱۳۸۷) نیز با همین تعریف به کار رفته است.

**تمرکز مالکیت (cc)**

تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان در خور ملاحظه ای از سهام شرکت به سهامداران عمده تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد. درصد مالکیت مجموعه سهامدارانی است که به عنوان یک گروه اقتصادی، بیشترین درصد سهام کنترلی شرکت را در اختیار دارند. کم بودن این درصد به نوعی پراکندگی مالکیت را نشان می‌دهد. طبق قوانین ایران، تمرکز مالکیت به صورت مجموع درصد سهام سهامداران حقوقی که بیش از ۵٪ سهام منتشره شرکت را داشته باشند تعریف می‌گردد.

همچنین از دو متغیر کنترلی اهرم مالی و اندازه شرکت در این تحقیق استفاده شده است.

**نتایج آزمون‌های آماری تحقیق****آزمون پایایی متغیرها**

قبل از تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها بایستی پایایی متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گیرد. پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث بوجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. آزمون ریشه واحد با استفاده از آزمون ایم، پسران و شین، آزمون ریشه واحد فیشر، دیکی فولر تعمیم یافته و آزمون ریشه واحد فیشر فلیپس پرو (۲۰۰۱) انجام شده است. نتایج آزمون پایایی متغیرها نشان می‌دهد که  $p > 0.7$  تمامی متغیرها کمتر از ۵٪ درصد بوده و متغیرهای پژوهش پایا می‌باشند؛ بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر ریشه واحد داشتن متغیرها رد می‌شود.

جدول (۱): آزمون ریشه واحد برای متغیرها

فیشر، فلیپس / پرو		فیشر دیکی فولر		لوین، لین و چو		لوین، لین و چو		متغیرها
p.v	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	p.v	آماره	
۰.۰۰	۲۷۷.۲	۰.۰۰	۱۷۶.۱	۰.۰۰۰	-۱۲.۱۴	۰.۰۰۰	-۱۰۶.۵	DA
۰.۰۰	۷۶.۹	۰.۰۰	۱۹۰.۵	۰.۰۰۰	-3.8	۰.۰۰۰	-19.3	BIG
۰.۰۰۰	۳۰۴.۷	۰.۰۰۰	۲۸۶.۹	۰.۰۰۰	-۲.۳۸	۰.۰۰	-۲۱.۲	SIZE
۰.۰۰۰	۴۱۱.۱	۰.۰۰۰	۳۳۸.۶	۰.۰۰۰	-۷.۸	۰.۰۰	-۶۰.۳	LEVE
۰.۰۰۰	۱۳۹.۹	۰.۰۰۰	۱۱۰.۲	۰.۰۳	-۱.۹۴	۰.۰۰	-۴۶.۹	CC
۰.۰۰۰	۲۱۳.۳	۰.۰۰۰	۲۶۱.۱	۰.۰۰	-۱۳۹.۱	۰.۰۰	-۷۹۳.۴	IP

## تخمین مدل به وسیله داده‌های ترکیبی

برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون F لیمر (چاو) استفاده شد. در آزمون F لیمر، فرضیه  $H_0$  یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف  $H_1$  ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از F لیمر نشان می‌دهد که روش مورد نیاز برای تخمین مدل‌های تحقیق، روش داده‌های تلفیقی خواهد بود.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون F مقید (چاو)

نوع آزمون	نتیجه آزمون چاو	p-v	آماره‌ی F	مدل	آزمون چاو
داده‌های تلفیقی Pooled data	$H_0$ رد نمی‌شود	۰.۹	۰.۰۲	اول	$H_0$ : یکسانی عرض از مبدأ مقاطع
	$H_0$ رد نمی‌شود	۰.۴۵	۱.۰۸	دوم	
	$H_0$ رد نمی‌شود	۰.۴۷	۱.۰۲	سوم	

## ۹- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول شماره (۳) نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی تحقیق را در سطح داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد:

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیات تحقیق

دوربین واتسن	F-static p.v	p-value	T استیودنت	ضریب	شرح
۲.۰۷	۳۰.۴۲ ۰.۰۰۰	۰.۰۰	۱۰.۲	۰.۳۵	عرض از مبدأ $\beta$ .
		۰.۰۰	-۳.۸	-۰.۰۲	BIG
		۰.۰۰	-۱۰.۱۵	-۰.۰۱	SEN
		۰.۰۰	۵.۵	۰.۰۳	SIZE



		۰.۰۲	۲.۳۰	۰.۰۲	LEVE
ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2$ )					
۰.۴۴					

همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، آماره‌ی  $F$  با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده‌ی حاصل از آزمون مدل ۰.۴۴ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً ۰.۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی مدیریت سود اقلام تعهدی ناشی از متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل بوده و ۰.۵۶ دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است.

همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین-واتسن مؤید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشند.

### فرضیه اول " بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد "

با توجه به نتایج جدول (۳) آماره‌ی  $t$  مربوط به متغیر مستقل کیفیت حسابرسی (BIG) و سطح معناداری آن ( $p$ -value) به ترتیب ۳.۸- و ۰.۰۰ بوده است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر کیفیت حسابرسی تاثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه‌ی اول پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (BIG) منفی می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه‌ی بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود رابطه‌ای منفی و معکوس است. به بیان دیگر، با افزایش کیفیت حسابرسی، میزان مدیریت سود کاهش می‌یابد. به طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات با اهمیت موجود در صورتهای مالی است. حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان میتوانند با افزایش کیفیت حسابرسی و تداوم حسابرسی، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند.

### فرضیه دوم " بین تداوم انتخاب حسابرس و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد "

با توجه به نتایج جدول (۳) آماره‌ی  $t$  مربوط به متغیر مستقل تداوم انتخاب حسابرس (SEN) و سطح معناداری آن ( $p$ -value) به ترتیب ۱۰.۱۵- و ۰.۰۰ بوده است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر تداوم انتخاب حسابرس تاثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه‌ی دوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (SEN) منفی می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه‌ی بین تداوم انتخاب حسابرس و مدیریت سود رابطه‌ای منفی و معکوس است. به بیان دیگر، با افزایش تداوم انتخاب حسابرس، میزان مدیریت سود کاهش می‌یابد.

نتایج آزمون مدل دوم تحقیق که به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود می‌پردازد در سطح داده-های ترکیبی در جدول (۴) به شرح زیر بیان می‌شود:

نگاره (۴): نتایج آزمون مدل دوم تحقیق در سطح داده‌های ترکیبی

شرح	ضریب	$T$ استیودنت	$p$ -value	F-static p.v	دوربین واتسن
عرض از مبدأ $\beta$ .	۰.۲۰	۶.۱۰	۰.۰۰	۱۶.۶۷	۲.۰۳

	۰.۰۰۰	۰.۰۰	-۶.۷۴	-۰.۱۱	CC
		۰.۰۲	-۲.۲۸	-۰.۰۲	IP
		۰.۰۳	۲.۰۹	۰.۰۱	SIZE
		۰.۲۹	۱.۰۳	۰.۰۲	LEVE
	۰.۴۲	ضریب تعیین تعدیل شده ( $R^2$ )			

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، آماره‌ی  $F$  با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده‌ی حاصل از آزمون مدل ۰.۴۲ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً ۰.۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی مدیریت سود اقلام تعهدی ناشی از متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل بوده و ۰.۵۸ دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین-واتسن مؤید این مطلب است که بین اجزا اختلال مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشند.

#### فرضیه سوم: "بین مالکیت نهادی و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد"

با توجه به نتایج جدول (۴) آماره‌ی  $t$  مربوط به متغیر مستقل مالکیت نهادی (IP) و سطح معناداری آن (p-value) به ترتیب -۲.۲۸ و ۰.۰۲ بوده است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر مالکیت نهادی تاثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه‌ی سوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (IP) منفی می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه‌ی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود رابطه‌ای منفی و معکوس است. به بیان دیگر، با افزایش مالکیت نهادی، مدیریت سود کاهش می‌یابد.

#### فرضیه چهارم: "بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد"

با توجه به نتایج جدول (۴) آماره‌ی  $t$  مربوط به متغیر مستقل تمرکز مالکیت (CC) و سطح معناداری آن (p-value) به ترتیب -۶.۷ و ۰.۰۰ بوده است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر تمرکز مالکیت تاثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه‌ی چهارم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر (CC) منفی می‌باشد. در نتیجه، نوع رابطه‌ی بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود رابطه‌ای منفی و معکوس است. به بیان دیگر، با افزایش تمرکز مالکیت، مدیریت سود کاهش می‌یابد.

نتایج آزمون مدل سوم تحقیق که به بررسی اثر تعدیلی ویژگی‌های حسابرِس بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود می‌پردازد در سطح داده‌های ترکیبی در جدول (۵) به شرح زیر بیان می‌شود:

نگاره (۵): نتایج آزمون مدل سوم تحقیق در سطح داده‌های ترکیبی

شرح	ضریب	$T$ استیودنت	$p$ -v
عرض از مبدأ $\beta$ .	۰.۳۶	۸.۵	۰.۰۰
BIG	-۰.۰۳	-۲.۰۸	۰.۰۴
SEN	-۰.۰۱	-۳.۳۸	۰.۰۰
CC	-۰.۱۷	-۳.۶۶	۰.۰۰
IP	-۰.۰۱	-۴.۱۶	۰.۰۰
BIG*CC	-۰.۱۹	-۳.۶۷	۰.۰۰

۰.۰۰	-۲.۴۷	-۰.۱۳	BIG*IP
۰.۰۳	-۲.۲۲	-۰.۱۱	SEN*CC
۰.۰۴	-۲.۰۱	-۰.۱۸	SEN*IP
۰.۰۰	۳.۸	۰.۰۲	SIZE
۰.۰۰	۲.۸۰	۰.۰۱	LEVE
(۰.۰۰۰)	۱۶.۹۹	<b>p.v F-static</b>	
۲.۰۸		<b>دوربین واتسن</b>	
۰.۶۸		<b>ضریب تعیین تعدیل شده (R<sup>2</sup>)</b>	

همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، آماره‌ی  $F$  با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی‌دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده‌ی حاصل از آزمون مدل ۰.۶۸ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً ۰.۶۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی مدیریت سود اقلام تعهدی ناشی از متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل بوده و ۰.۳۲ دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین-واتسن مؤید این مطلب است که بین اجزا اخلال مدل، خود همبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشند.

#### فرضیه پنجم: "کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد."

با توجه به نتایج جدول (۵) آماره‌ی  $t$  مربوط به متغیر تعاملی مستقل کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی (BIGIP) و سطح معناداری آن (p-value) به ترتیب -۲.۴۷ و ۰.۰۰ بوده است. با توجه به این‌که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر تعاملی کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی تأثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه‌ی پنجم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. در واقع با مقایسه ضرایب می‌توان بیان کرد زمانی که کیفیت حسابرسی در مالکیت نهادی ضرب می‌شود و به عنوان متغیر تعدیلگر وارد مدل می‌شود باعث می‌شود که مدیریت سود بیش از پیش کمتر شود. در واقع باعث کاهش فزاینده مدیریت سود شده و اثر تعدیل‌کنندگی دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که دو متغیر کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی باعث کاهش مدیریت سود می‌شوند. در واقع می‌توان بیان کرد که نظارت آنها در شرکت افزایش می‌یابد و به دنبال آن باعث کاهش مدیریت سود می‌شود.

#### فرضیه ششم: "کیفیت حسابرسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد"

با توجه به نتایج جدول (۵) آماره‌ی  $t$  مربوط به متغیر تعاملی مستقل کیفیت حسابرسی و تمرکز مالکیت (BIGCC) و سطح معناداری آن (p-value) به ترتیب -۳.۶۷ و ۰.۰۰ بوده است. با توجه به این‌که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر تعدیلی کیفیت حسابرسی و تمرکز مالکیت تأثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه‌ی ششم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. در واقع با مقایسه ضرایب می‌توان بیان کرد زمانی که کیفیت حسابرسی در تمرکز مالکیت ضرب می‌شود و در واقع به عنوان متغیر تعدیلی تأثیرگذار وارد مدل می‌شود باعث می‌شود که مدیریت سود بیش از پیش کمتر شود.

#### فرضیه هفتم: "تداوم انتخاب حسابرسی بر رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد"

با توجه به نتایج جدول (۵) آماره‌ی  $t$  مربوط به متغیر تعاملی مستقل تداوم انتخاب حسابرسی و مالکیت نهادی (SENIP) و سطح معناداری آن (p-value) به ترتیب -۲.۰۱ و ۰.۰۴ بوده است. با توجه به این‌که سطح خطای در نظر

گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر تعدیلی تداوم انتخاب حسابرِس و متغیر مالکیت نهادی تاثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه‌ی هفتم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. در واقع با مقایسه ضرایب می‌توان بیان کرد زمانی که تداوم انتخاب حسابرِس در مالکیت نهادی ضرب می‌شود و در واقع به عنوان متغیر تعدیلگر تاثیر گذار وارد مدل می‌شود باعث می‌شود که مدیریت سود بیش از پیش کاهش یابد.

**فرضیه هشتم: "تداوم انتخاب حسابرِس بر رابطه بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود اثر تعدیل‌کنندگی دارد"**  
با توجه به نتایج جدول (۵) آماره‌ی t مربوط به متغیر تعاملی مستقل تداوم انتخاب حسابرِس و تمرکز مالکیت (SENCC) و سطح معناداری آن (p-value) به ترتیب ۰.۰۳ و ۰.۲۲ بوده است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر تعدیلگر تداوم انتخاب حسابرِس و تمرکز مالکیت تاثیر معناداری بر مدیریت سود داشته و فرضیه‌ی هشتم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد.

## ۱۰- بحث و نتیجه گیری

این تحقیق به بررسی تاثیر کیفیت و تداوم حسابرِس بر رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته و نتایج زیر را نشان می‌دهد:

۱- یک رابطه منفی بین متغیر کیفیت حسابرِس و تداوم انتخاب حسابرِس با مدیریت سود در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار مشاهده شد. به طور کلی، حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرِس هستند. در این میان انگیزه های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرِس، مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند.

۲- یک رابطه منفی بین متغیر مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت و مدیریت سود در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار مشاهده شد. این نتیجه بدین معناست که سهامداران نهادی و تمرکز مالکیت نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در مدیریت سود اعمال می‌کنند و با افزایش درصد مالکیت نهادی سهام انعطاف پذیری شرکت جهت مدیریت اقلام تعهدی کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر افزایش درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی باعث کاهش مدیریت سود می‌شود و می‌توان چنین تفسیر کرد که هر چه درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی افزایش پیدا می‌کند، نظارت آنها در شرکت افزایش می‌یابد و به دنبال آن باعث کاهش مدیریت سود می‌شود

۳- رابطه مثبت معنی داری بین اندازه شرکت و مدیریت سود وجود دارد این نتیجه بیانگر این مطلب است که شرکتهای بزرگتر بیشتر به مدیریت سود می‌پردازند. دلیل اول آن است که شرکت های نسبتاً بزرگ نسبت به شرکت های کوچک از نظر سیاسی حساس تر هستند نوسانات مثبت با اهمیت سود در شرکت های بزرگ ممکن است سبب افزایش تردید در مورد سود انحصاری گردد. به عبارت دیگر، افزایش قابلیت وجه در سود شرکت های بزرگ ممکن است این شبه را پدید آورد که این شرکت ها با استفاده از قدرت انحصاری خود سود را افزایش داده‌اند. از سوی دیگر، نوسانات منفی با اهمیت سود در شرکت های بزرگ سبب نگرانی در مورد ورشکستگی احتمالی گردیده و تصویر شرکت را در محیط تجاری که واحد تجاری در آن فعالیت می‌نماید خراب نماید. همچنین نوسانات قابل توجه در سود شرکت های بزرگ، احتمال ایجاد هزینه های سیاسی ناخواسته نظیر تقاضای افزایش دستمزد توسط کارکنان شرکت، محدودیت های مهارکننده توسط دولت را افزایش دهد. بنابراین، شرکت های بزرگ انگیزه بیشتری برای مدیریت سود دارند. دلیل دوم آن است که با بزرگتر شدن شرکت ها، مسئولیت پاسخ گویی مدیران در مقابل ذی نفعان بیشتر، افزایش می‌یابد.

۴- رابطه مثبت معنی داری بین اهرم مالی و مدیریت سود وجود دارد زیرا مدیران شرکت ها انگیزه بیشتری دارند تا از طریق مدیریت سود اعتباردهندگان را راضی نگه دارند. به عبارت دیگر شرکت ها به منظور کاهش ریسک اقدام به مدیریت سود می نمایند، شرکت هایی که از نسبت بدهی به کل دارایی های بالایی برخوردار می باشند به منظور اطمینان بخشی به اعتباردهندگان مبنی بر توانایی پرداخت اصل و بهره وام ها و اعتبارات دریافتی اقدام به مدیریت سود می نمایند. عدم وجود نوسانات قابل توجه در سود این اطمینان را برای اعتبار دهندگان پدید می آورد که واحد تجاری در آینده قادر به پرداخت مطالبات آنان خواهد بود.

نتایج یافته های این تحقیق با تحقیقات چن و همکاران (۲۰۰۵)، لی و رودن (۲۰۰۷)، زهری و شبوه (۲۰۱۳)، کویب و جاربو (۲۰۱۴)، نونهال نهر و همکاران (۱۳۸۹)، استا (۱۳۹۱)، برزگری و همکاران (۱۳۹۱) و وحیدی و روانان (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

#### ۱۱- فهرست منابع

- ۱- استا، س. (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود"، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، صص ۹۳-۱۰۶.
- ۲- برزگری، ج. محمد صادق، زارع زاده مهریزی و مهدی پاکدل. (۱۳۹۱). "کارکرد مدل های تعدیل شده مدیریت سود در بررسی رابطه نظام راهبری شرکتی با مدیریت سود". دهمین همایش ملی حسابداری ایران. ۳ و ۴ خرداد ۱۳۹۱.
- ۳- حساس یگانه، ی. (۱۳۸۵). "حاکمیت شرکتی در ایران". حسابرس، ش ۲۲.
- ۴- دستگیر، م و ناظمی، ا. (۱۳۸۵). "بررسی نظرات استادان دانشگاه ها، حسابداران حرفه ای و قانون گذاران در رابطه با مدیریت سود". دانش و پژوهش حسابداری: شماره ۱۱، صص ۱۸-۱۲.
- ۵- نوروش ا و ابراهیمی کردلر، ع. (۱۳۸۴). "بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد". فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، ش ۴۲.
- ۶- نونهال نهر، ا. سپاسی، س و نیکبخت م. (۱۳۸۹). "بررسی کیفیت حسابرسی و کیفیت اقلام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران". مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۲، صص ۵۲-۳۸.
- ۷- نمازی، م و کرمانی، ا. (۱۳۸۷). "تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴، صص ۱۰۰-۸۳.
- ۸- وحیدی الیزی، ا و روانان، س. (۱۳۹۳). "بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و ویژگی های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران". سومین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران، صص ۱۷-۱.

9- Comar, J.Ch., Sun, H.L.(2003). The relation between Earning Informativeness, Earnings Management and Corporate Governance in the Pre- and Post-SOX periods, Working paper, SSRN working paper

10- Chan, K. & Louis, K. (2005). Earning Quality and Stock return. Journal of Business, 79(3): 193-228.

11- DeAngelo (1986). "Accounting Number as Market Valuation Substitutes: A Study of Management Buyouts of Public Stockholder", The Accounting review, 61.

12- Dechow, P., Sloan, R and Sweeney, A.(1996), "Causes and Consequences of Earning Manipulation: An Analysis of Firms Subject to Enforcement Actions by the SEC", Contemporary Accounting Research, 13:1-36.

- 13- Earnhart, D., and Lizal, L. (2006). "Effects of Ownership and Financial Performance on Corporate Environmental Performance". *Journal of Comparative Economics*. 34, PP. 111-129.
- 14- Janin and Piot. (2005). "Audit Quality and Earnings Management in France", Working Paper .
- 15- Jones, J. ,(1991), "Earning management during import relief nvestigation ", *Journal of accounting research*.
- 16- gary. (2008). Postulates, principles and research in accounting. *Accounting Review*
- 17- Healy, P., and J. Wahlen. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons* 13 (4): 36583-.
- 18- Kouaiba Amel, , Anis Jarbouib. 2014. External Audit Quality And Ownership Structure: Interaction And Impact On Earnings Management Of Industrial And Commercial Tunisian Sectors, *Journal Of Economics, Finance And Administrative Science* 19 (2014) 78–89.
- 19- Lee, B. & Roden, D. (2007). Have the Big accounting firms lost their audit quality advantage: evidence from the returns earnings relation, *Journal of Forensic Accounting*, 64(1): 66-73.
- 20- mayerz, S., Deis, D. R.,&Hossain, M. (2003). The empirical relationship between ownership characteristics and audit fees. *Review of Quantitative Finance and Accounting*,28(3), 257–285.
- 21- Zehri , Fatma and Ridha Shabou.(2013). Audit Quality, Corporate Governance and Earnings Management in the Context of Tunisian Firms..